

رتبه‌بندی معلمان قریانی شکاف صف و ستاد

محمد داوری

آنقدر این رتبه‌بندی معلمان به طول انجامید و آنقدر پیرامون آن سر و صدا راه افتاد که کمتر کسی در کشور است که از این موضوع بی‌خبر باشد. یکی از معلمان می‌گفت رفتم نون بخرم شاطر که می‌دونست من معلم هستم به من گفت: (تبریک میگم بالاخره رتبه‌بندی معلمان هم که تصویب شد!!!) به‌رغم اینکه رتبه‌بندی معلمان در دالان‌های دولت بیش از 10 سال گرفتار شده بود و در سه دولت مورد بحث بود متأسفانه یک سال هم گرفتار پیچ و خم‌های مجلس شد و حالا پس از تصویب نهایی در مجلس این طرح مثله‌شده در مرحله تدوین آیین‌نامه گرفتار بررسی‌های غیرکارشناسانه ستادی‌ها شده است و به‌رغم اینکه به یاری واکنش‌های معلمان در شبکه‌های اجتماعی پیش‌نویس اولیه این آیین‌نامه تاکنون بیش از 25 بار اصلاح و تغییر داشته است همچنان به دور از واقعیت‌های حرفه معلمی و کلاس و مدرسه است و شاخص‌ها و امتیازهای در نظر گرفته‌شده برای کسب و ارتقای هر رتبه تناسبی با آن نداشته و تحقق‌بخش فلسفه این طرح نیست هرچند که لایحه دولت و بررسی‌های مجلس هم چندان با فلسفه طرح که ایجاد رقابت و انگیزه در معلمان می‌باشد نبوده است اما حالا که مشخص‌تر شاخص‌ها در حال تدوین است عینی‌تر می‌توان فهمید که این طرح چقدر با اهداف و فلسفه خود فاصله دارد. قرار است معلمان با کسب امتیازهایی در پنج رتبه آموزشیار، مربی، استادیار، دانشیار و استاد معلم طبقه‌بندی شوند و به تناسب قرارگرفتن در هر رتبه بر حقوق آنها افزوده شود اما به دلیل اینکه نویسندگان آیین‌نامه و بررسی‌کنندگان آن، ستاد‌نشینان به دور و بیگانه با واقعیت‌های کلاس و مدرسه و حرفه معلمی هستند و از طرفی نگاه آنها بیشتر متمایل به نیروی‌های ستادی است تا مزایای رتبه‌بندی شامل آنها شود، متأسفانه شاخص‌هایی را در نظر گرفتند که بسیاری از آنها ربطی به ایفای نقش معلم ندارد یا برای شاخص‌ها امتیازهایی را منظور کرده‌اند که تناسبی با اهمیت هر یک از آن شاخص‌ها با صلاحیت‌ها و ویژگی‌های یک معلم نیز ندارد.

بنابراین طرح رتبه‌بندی که با گره خوردن به معیشت معلم از مسیر

اهداف و فلسفه خود دور شده بود حالا مانند بسیاری از طرح‌های آموزش و پرورش به دلیل تدوین يك آيين‌نامه ناکارآمد قرباني شكاف صف و ستاد در آموزش و پرورش ميشود و بي‌ترديد به سرانجام بسیاری از طرح‌ها دچار خواهد شد که خروجي آن به کارآمدي نظام آموزشی نخواهد انجاميد. شكاف صف و ستاد که متاسفانه شكاف میان دوپنجم نیروهای ستادي در وزارتخانه و 32 اداره کل و بیش از 700 منطقه آموزش و پرورش است با سه‌پنجم نیروها که در مدرسه مستقر هستند يکي از مهم‌ترین دلایل ناکارآمدی نظام آموزشی ما است چرا که نیروهای صف به نیروهای ستاد اعتماد ندارد و نیروهای ستاد با واقعیت‌های صف آشنا نیستند یا در طرح‌ها و برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی به آن توجه ندارند لذا تا زمانی که این شكاف و این بیگانگی و بی‌اعتمادی و تمرکز وجود داشته باشد اميدي به کارآمدي نمی‌توان داشت و اگر الان رتبه‌بندی معلمان قرباني این شكاف شده است سال‌ها است که کودکان و نوجوانان قرباني این ناکارآمدی شده‌اند.

منبع: روزنامه اعتماد 1 اردیبهشت 1401 خورشیدی